

خیلواکی



استقلال

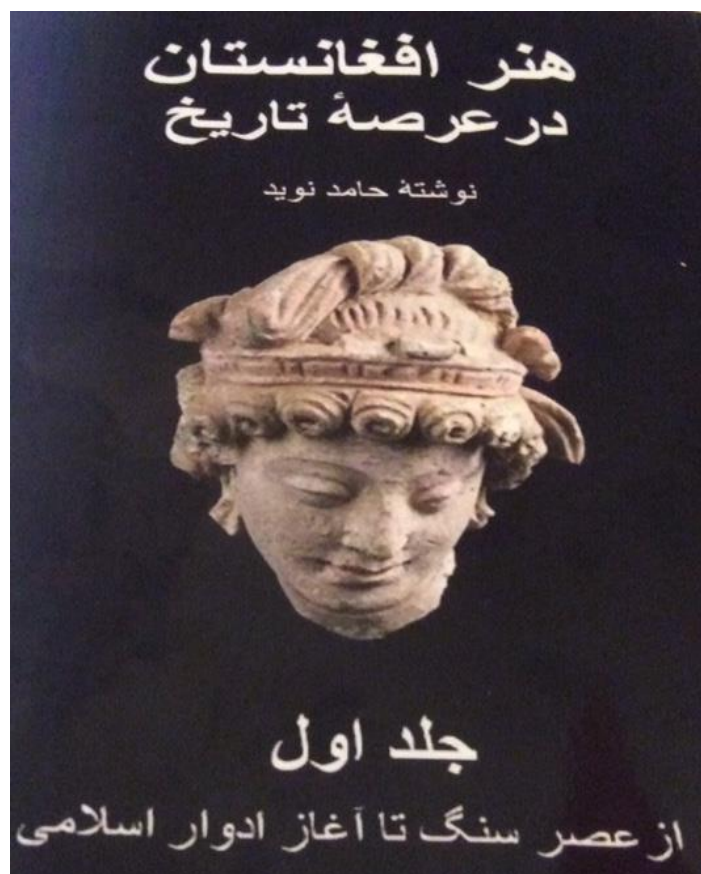
[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

۰۱ سپتمبر، ۲۰۲۶

ملالی موسی نظام

## هنر افغانستان در عرصه تاریخ

آئینه روشنی از هزاره های هنر کهن در سرزمین باستانی ما



مقدمه:

این مقاله که در زمینه کتاب با ارزش «هنر افغانستان در عرصه تاریخ» در همان شب و روز نشر کتاب در سال ۲۰۱۸ تحریر گردیده بود، اینک یکبار دیگر به مناسبت انتشار مطلب ارزشمند دانشمند خبره افغان محترم «حامد نوید» در سایت استقلال خیلواکی تحت عنوان «چرا کتاب هنر افغانستان در عرصه تاریخ را نوشتم»، به حضور خوانندگان ارجمند پیشکش میگردد:

چند سال قبل وقتی برای اولین بار نمایش آثار ارزشمند نهایت کهن و قدیمی کشور باستانی ام را تحت عنوان «گنجینه باختر» در موزیم «گیومه» پاریس مشاهده نمودم، از بهت و حیرت گیج شده بودم. گرچه قبلاً کتابی را که در زمینه آن آثار بی همتا در روسیه نشر شده بود و عکس ها و تشریحات این گنجینه بینظیر در آن وضاحت کافی داشت، بدست داشتم که گویا در سرک های کابل به نحوی در اختیار دستفروشان قرار گرفته بود؛ ولی دیدار و مطالعه واقعی چنان آثار حیرت انگیز مجلل که اکثراً از طلای خالص، شیشه و عاج در قرون قبل از اسلام با ظرافت و هنرمندی محیرالعقولی ساخته شده بودند، تأثیر دیگری داشت. این گنجینه درخشان که هنر و حتی تاریخ صدهای متوالی را بیان مینمود، از موجودیت اعصار معتبر و مدنیت های شگوفایی که یکی به دنبال دیگری این قسمت جامعه بشری هزاران سال قبل را احتواء مینمود، خبر میداد.



تاج طلای شاهدخت آریایی جزئی از گنجینه باختر – طلا تپه

بعد ها با عطش سیری ناپذیری که دیدار و مطالعه این آثار گرانبهای وطن خودم خلق مینمود، تصادفاً در «برتش میوزیم» لندن موفق به مطالعه و بررسی بیشتر آنها گردیدم که با قدرمندی و ترتیبات فوق العاده ای هر قسمتی از «گنجینه بینظیر باختر» را علیحده تزئین و تشریح نموده بودند، طوریکه تاج گرانبهای طلا بر سر تصویر یک شاه دخت کوشانی که در داخل یک آرامگاه شیشه ای قرار داشت، گذاشته شده بود. به همین صورت زمانیکه آثار برای نمایش به واشنگتن رسید، باز هم با دوستان به دیدار آن در موزیمی که به نمایش گذاشته بودند، رفتیم که ترتیباتشان نسبت به لندن، قدری سر در گم و زیاد جالب نبود.

باوجود چور و چپاول های لجام گسیخته قاچاقبران و تخریب دد منشان آثار هنری افغانستان، خوشبختانه «گنجینه بینظیر باختر» که به همت جمعی افغان شریف و وطن پرست در زیر خانه های ارگ از انظار مخفی گردید، تا آغاز قرن موجوده محافظت گردید که جزئی از دارایی های موزیم ملی کابل محسوب میگردد.

در دهه شصت و هفتاد میلادی، زمانیکه در مادر وطن صلح و سلم برقرار بود، دوست خردمند و یگانه محقق آثار عتیق که درین رشته با تعلیمات عالی از ایتالیه برگشته بود، دایم در فصل زمستان ما را به منطقه حفريات هده در شهر جلال آباد دعوت مینمود که از آثار بینظیر و نهایت دیدنی ای که خود با آگاهی، امانت داری، وسواس و مهارت زیاد از زیر خاک در می آورد، دیدن نماییم. این انسان متواضع، باکفایت و با شخصیت عالی و علمیت بسیار، مرحوم داکتر شاهی بای مستمندی بود که خداوند روح پاک و گرانمایه اش را بیامرزد.

در آن زمان آثار بیمثال و گرانبهای هده آنقدر خاص، متنوع و دیدنی بودند که نمیشد مشابهنی یا ارزشی برای آن تخمین نمود. هرگاه بعد از سپری شدن زمان به ساحه حفريات میرفتیم، با نقش و نگار های بیمانند دیگری روبرو میشدیم و انگشت حیرت به دندان می بردیم، مخصوصاً آنچه را بر روی دیوار ها مشاهده میکردیم، بیرنگ و رنگه همه شهکار هایی بودند از تمدن منطقه در هزاران سال قبل. در یک قسمت که در سطح پایین تر قرار داشت گروهی از عساکر در حال نظم و به حالت ایستاده قرار داشتند که امروز در بسیاری آثار هنری چین و ممالک مشابه آن به مشاهده میرسد.

مجسمه بینظیر بودا در حال صعود و نشسته بر گلهای نیلوفر، آنقدر بی عیب و متناسب بود که انسان از آنهمه مهارت هنرمند و زیبایی خود مجسمه به حیرت میرفت. ولی افسوس که آن گنجینه های بی مثال که از تاریخ غنی هزاره های با شکوه باستانی سرزمین ما نمایندگی میکرد، با ددمنشی تنظیم های وابسته به پاکستان و تعصبات پوشالی تخریب کاران بی احساس به خاک یکسان گردید. از این گنجینه تمدن بشری دیگر آثاری نمی بینیم.

امروز که اکثریت آن آثار بی بدیل و اکثر آنچه در سراسر افغانستان موجود بوده اند، به نحوی یا پامال جفا و عقب گرایی خود اولیای امور دهه های اخیر قرن گذشته گردیده، یا با سرقت و نقل هزاران اثر بی همتا به خارج طعمه مافیای آثار عتیقه شده است. با آنهم این سرزمینی که هر گوشه آن در طول اعصار از مدنیت های کهن خاطره های بی پایان دارد، گنجینه های بیشماری هم در لابلاي کوه پایه ها مانند عینک و یا سرخ کوتل را صاحب است و یا در موزیم

های مانند لندن و فرانسه و امریکا هنوز هم نمونه هایی از مدنیت بینظیر این منطقه عالم میدرخشد.

## معرفی کتاب ارزشمند هنر افغانستان در عرصه تاریخ:

یقین است که خوانندگان ما از نشر کتاب نهایت آموزنده و با ارزش جلد اول «هنر افغانستان در عرصه تاریخ» به زبان دری اثر دانشمند و محقق ورزیده افغان محترم حامد نوید، آگاهی یافته اند چونکه نه تنها از فیس بوک ایشان راپور مفصلی در زمینه منتشر نمودند، بلکه آریانا افغانستان آنلین هم با تفصیل از چنین اثر برگزیده ای که آثار بینظیر سرزمین باستانی ما را از قدیمترین اعصار تمدن بشری که دوره سنگ باشد، تا آغاز مدنیت های دوره اسلامی در معرض دید خوانندگان قرار میدهد، مژده داده است.

خوشبختانه با دسترسی به این کتاب آموزنده به السنه انگلیسی و دری که با تصاویر و تشریحات عالی تنظیم و ترتیب گشته است، زمینه مطالعه و شناسایی را برای نسلهای افغان که به دری و انگلیسی دسترسی دارند فراهم میسازد و طوریکه از نویسنده آن محترم حامد نوید شنیدم که کار ترجمه پشتوی آن به همت یکی از هموطنان خبره آغاز گردیده است.

به تاریخ اول ماه نوامبر محفل در مرکز افغان اکادمی در شهر الکساندریه ایالت ورجینیا برای معرفی و امضای نسخه دری «هنر افغانستان در عرصه تاریخ» ترتیب یافته بود که در آن عده ای از همشهریان افغان در منطقه واشنگتن اشتراک نموده بودند. درین مجلس فرهنگی، خلاصه کتاب با تصاویر آشکارا و با تشریحات و توضیحات کافی ذریعه خود نویسنده بیان گردید و سؤالاتی در زمینه بصورت عالمانه و عام فهم پاسخ داده شد.

آنچه را بینندگان و مدوعین ذریعه ویدیو مشاهده مینمودند، در حالیکه باعث اعجاب و افتخار میگردید، اکثراً زمینه تأثر و افسوس را هم فراهم مینمود چونکه اکثریت آن گنجینه های هنر اصیل کشور، مخصوصاً آناتیکه نصب جایگاه هایی بودند که مظهر تمدن های بشری درین سرزمین کهن شمرده میشدند، در دهه های اخیر نابود گردیده بودند. طور مثال آثار گرانبهای هده یکی از غنی ترین مرکز تمدن عصر خود، در حالیکه قرن های متوالی در دل خاک حفظ گردید، در اواخر قرن بیستم و بین سال های ۱۹۹۲ – ۱۹۹۶ تخریب و پامال جفای خود فروختگانی گردید که از افغانیت و شرافت بویی نبرده بودند.

درین مبحث از همه آثار بی همتای هده جلال آباد که درین کتاب ارزشمند در پهلوی دیگر آثار

قیمتدار عهد عتیق افغانستان معرفی گردیده است، صرف به نمونه های مختصری قناعت می نماییم:

## نمونه اول - مثال هایی از هده جلال آباد:

### ستوپه ها:

ستوپه Stupa در لغت برگرفته شده از کلمه توپه به معنی بلندی در زبان باستانی سانسیکریت است. برخی از زبانشناسان عقیده دارند که کلمه تپه در زبان دری از همین ریشه آمده و به مرور زمان شکل تلفظی و نوشتاری کنونی را بخود گرفته است.

بهر صورت در مورد ستوپه ها در معابد بودایی در مباحث قبلی صحبت به عمل آمد، ولی در مورد ستوپه های معبد هده و شاه خیلی غندی جلال آباد باید گفت که از زیبایی هنری خاصی برخوردار و در دورادور و چهار طرف این ساختمان های بلند گنبدی شکل، با پیکره های متعددی مزین است.



استوپه بینظیری که در هده جلال آباد کشف و صفا کاری گردیده بود، ذریعه تنظیم های جهادی ویران گردید

ستوپه های معبد هده با طرح خاصی ایجاد گردیده بودند که به تدریج از قاعده تا رأس در چند طبقه کوچکتر شده و به گنبد نسبتاً بزرگی منتهی میگردیدند. هر طبقه با پیکره های ظریف و زیبای تزئین می یافت که داستانهای زندگی و کارنامه های بودا را شرح میداد.

هنوز نمونه هایی از ستوپه های معبد هده که سنگ به سنگ و خشت به خشت به فرانسه انتقال یافته در موزیم گیومه پاریس بنام افغانستان در معرض نمایش قرار دارد. البته این انتقال به اساس قراردادی صورت گرفت که میان دولت افغانستان و فرانسه وجود داشت و هیأت باستانشناسان فرانسوی (DAFA) به اساس این قرارداد پس از سال ۱۹۲۲ در افغانستان به کار آغاز کردند. بزرگترین و شکوهمندترین ستوپه معبد هده تا دهه هشتاد یعنی سرآغاز دوره جنگ و بربادی افغانستان در جلال آباد وجود داشت که در حقیقت خود، موزیم غیر منقولی بود و نمایانگر هنر و عقاید مذهبی آن زمان بشمار میرفت. در چهار طرف این ستوپه بزرگ رواقها و اتاقهای نیایش متعددی به چشم میخورد که همه با زیباترین، مجسمه ها و سرستونی ها مزین بودند. در دهه هفتاد عده ای از متفکرین افغانستان به انتقال آثار هنری به خارج از کشور موافق نبودند که در آنوقت این مفکوره نظر مثبت و صائبی تلقی میگردید، اما متأسفانه پس از ویرانی کامل معبد هده ستوپه ها ی موجود در موزیم گیومه پاریس یگانه مثالهای اند که مارا به طرز کار هنرمندان، مهندسین و طراحان آندوره آشنایی می بخشد.

آنچه در مورد مجسمه های معبد هده بسیار دلچسپ است، موجودیت پورتریت های اقوام قدیم سرزمین آریانا با چهره های گوناگون آنهاست. بطور مثال سبک آرایش مو و کلاه های خاص زنان هر منطقه و شکل کلاه ها و طرز پیرایش سرو ریش مردان هر قوم و قبیله آریانا با دقت خاصی ایجاد گردیده که از آناتومی دقیق و زیبایی ریالستیک خاصی برخوردارند.



پورتریت های از معبد هده که در آن چهره های تمام اقوام کنونی افغانستان مشاهده شده میتواند این پورتریت ها که شمایل مردمان صاحب نفوذ و مخلصین عبادتگاه را تمثیل میدارند، در حقیقت معرف باشندگان و اقوام قدیم افغانستان بوده و از نگاه جامعه شناسی تاریخی دارای اهمیت فراوانی

باشند. درین مجموعه باشندگان قدیم آریانا مانند ساکه ها، پکتها، پارتهای باختر، بادغیس و هرات، باشندگان پیشین کابل و کاپیسا، ایغورها، ساکنین افغانستان مرکزی و تورانیان (تورک ها) به نکویی تبارز یافته است. ازجانب دیگر پیکره های معبد هده جلال آباد مبین این حقیقت است که شیوه زندگی و طرز لباس پوشیدن مردمان قدیم آریانا از البسه پارسیان و باشندگان خطه پهناور هند تفاوتی کلی دارد. یعنی اصالتهای فرهنگی مدنیت خاصی را تمثیل میدارد.

این مدنیت فرهیخته طوریکه از آثار هنری آن پیداست عنعنات و رسوم مختص بخود را داشته و برخلاف آنچه عده از خاورشناسان ادعا دارند امتداد فرهنگ فارس و یاهند نیست. استنادی راکه مؤرخینی چون جوزف مارکوارت Joseph Marquart آلمانی یکی از بنیانگزارن مفکوره " ایران بزرگ" و ریچارد فرای Richard Fry محقق امریکایی مبلغ این اصطلاح مدار اعتبار قرار میدهند همانا حمله شاهپور ساسانی بر قلمرو شاهان کوشانی در قرن سوم میلادیست، اما از نگاه تاریخ تمدن بشرحملات بازقینی چیزدیگری وخصایل فرهنگی یک حوزه مدنی چیز دیگریست. درست است که به دلیل انباشته شدن ثروت هنگفت مالی در قلمرو کوشانیان و به خصوص غنای معابد بودایی ایندوره باعث آن شد تا ساحه تحت فرمان کوشانی ها ها مورد حملات پیهم شاهان ساسانی فارس قرار گرفته و سبب بروز جنگهای مدهشی بین طرفین گردد، اما آنچه از نگاه تاریخ تمدن و



معبد هده، مجسمه دیواتا قرن دوم میلادی - موزیم گیومه پاریس

بیان این است که آثار هنری عصر کوشانی افغانستان کوچکترین شباهتی از نگاه شکل و محتوی با آثار هنری قرن دوم و سوم میلادی فارس ندارد. بطور مثال مجسمه دیواتا Devata که از زیبایی

خاصی برخوردار بوده و از معبد هده واقع در جلال آباد کشف گردیده دارای خصوصیات هنری بسیار متمایز از پیکره های ممالک همجوار مربوط عین دوره تاریخی میباشد. این اثر ناب دارای زیبایی هاست که بیننده را به شگفتی وامیدارد. حلقه های گیسوان آراسته و فите موی ایکه در بالای آن با ظرافت خاصی ایجاد شده معرف شیوه زندگی پیشرفته و طرز آرایش زنان آنزمان است. از جانب دیگر این پیکره ظریف ژرفای عواطف و اندیشه های انسانی را با نکو ترین وجهی تبارزمیدهد. نگاه خاموش زن جوان که به عقیده برخی از هنرشناسان مظهر دیواتا Devata الهه جنگل و چشمه ساران است با طنازی به پائین مینگرد. از نگاه ساختار هنری ترکیب این مجسمه نهایت زیباست. تبسم مرموزی که بر لبان زن جوان نقش بسته ، بیننده را بیاد نقاشی های دوره رنسانس اروپا ، بخصوص **لبخند ژکوند**، یا **مونالیزا** اثر جلودان لیوناردو داوینچی می اندازد ، زیرا دارای عین زیبایی های هنریست، اما این اثر ممتاز حد اقل ۱۲ قرن پیش از آثار هنری دوره رنسانس اروپا ایجاد گردیده است. متأسفانه بنا بر عدم موجودیت اسناد کتبی ما نمیدانیم که نام این نوابغ روزگار چه بوده است ؟ گرچه اسمای این هنرمندان بزرگ که پیش و کم ۱۸۰۰ سال پیش در ننگرار قدیم میزیسته و آثاری به سطح آفریده های هنری لیوناردو داوینچی ، رافائیل و میکل آنژ ایجاد کرده اند درحافظه تاریخ باقی نمانده، اما نظربه موجودیت آثار هنری فراوانی که از ساحه ننگرها تا کاپیسا، و از آنجا تا بامیان و بلخ بدست آمده پیداست که این عصر درحقیقت دوره شگوفایی فرهنگ و عصر رنسانس هنری درسرزمین باستانی افغانستان بوده است. بدین معنی که هنرمندان بزرگی در شهرهای مختلف آن زندگانی داشته وبه ایجاد آثار نابی مشغول بوده اند.

نکته دیگری را که این پیکره ها با زبان هنر بیان میدارند، همانا نقش مساوی زنان با مردان در جامعه افغانستان آنزمان میباشد . زیرا تعداد مساوی پیکره های زنان و مردان در معابد آن بچشم میخورد. این امر از نگاه جامعه شناسی تاریخی روشن نگری این مدنیت کهنسال را از عهد تمدن ویدی و اوستایی باختر تا دوره کوشانی بازگو مینماید. چنانچه نمونه های پیکره های شهزاده خانمهای باختری که در بخش هنر عصر اوستایی بلخ در فصل های گذشته بررسی گردید مبین این حقیقت میباشد".

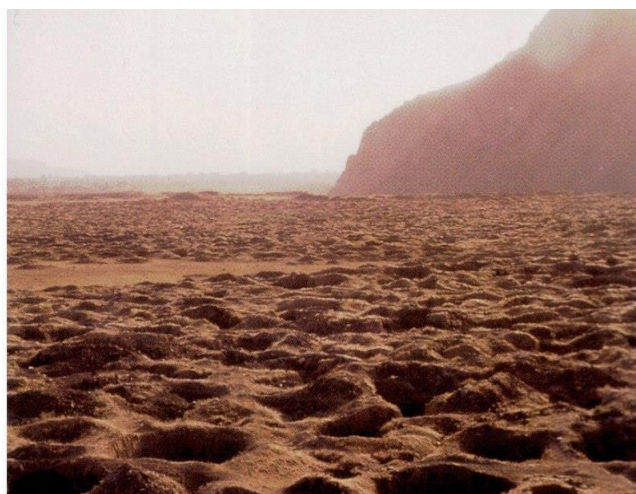
طوریکه در مثال های بالا مشاهده فرمودید، محترم آقای **«حامد نوید»** نه تنها در روشنی اندازی بر هنر های بیمثال سرزمین ما و معرفی آثاری که شناسایی آنان وظیفه هر اولاد وطن است، راه طولانی ای را طی نموده اند، بلکه با تحقیقات جامع و مبرهن به اثبات میرسانند که نظر به خاصیت و نحوه کلتور، روش حیاتی و انگیزه های اجتماعی، چه تفاوت هایی هم هنر هر عصر افغانستان با ممالک همسایه و مخصوصاً ایران داشته است که هیچ شکی نداریم.

## مثال دوم - نمونه هایی از مدنیت عالی آی خانم:

شهر تاریخی «آی خانم» که مظهر تمدن عصر دیگری از دوره های تاریخی سرزمین ما می باشد، بین دریای آمو و دریای کوچک بنا یافته بود، با اینکه موجودیت آن در مناطقی که تاریخ بیان داشته، ثابت بود ولی چون در عمق زمین با گذشت قرون ناپدید شمرده میشد، تا اینکه در عصر صلح و امنیت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، در یکی از مسافرت های ایشان به سمت شمال تصادفاً با قطعه ای گرانها که متعلق به عصر تمدن بزرگ آن عصر بود، بر خورد میگرد و با حکم ایشان و حفريات جدی و اساسی در آن حوالی، شهر زیبا و باشکوه «آی خانم» روکشایی میگردد.

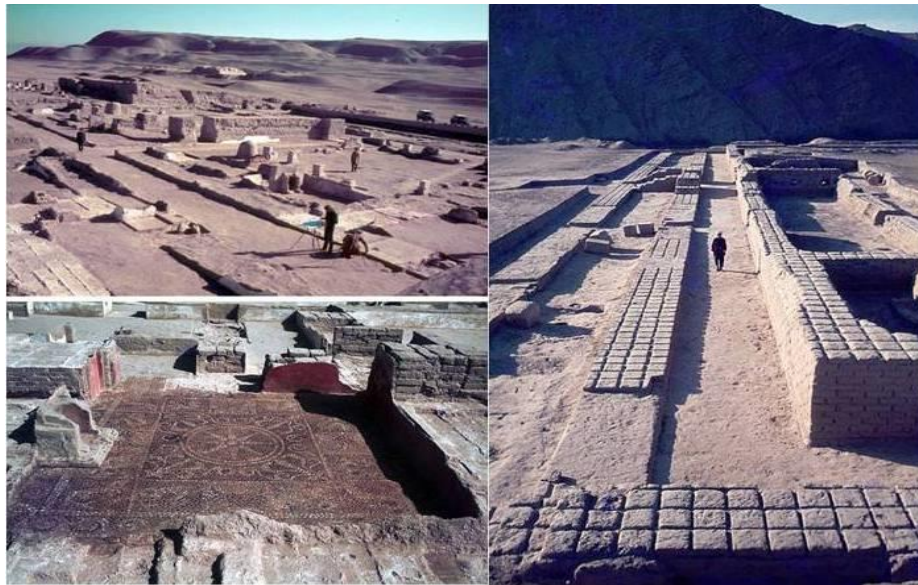


سر ستونی زیبای کروننتین آی خانم



منظره رقتباری از آی خانم بعد از عصر چور و چپاول تنظیم ها

همانطوری که در بالا عرض شد، متأسفانه بعد از اینکه در دهه شصت و هفتاد میلادی شهر با شکوه «آی خانم» از خاک بیرون گردید، در اعصار بعدی مورد چور و چپاول مافیای آثار عتیقه ای که بیمانند بود قرار گرفت و سرتاسر آن آثار و داشته های عهد عتیق که همه سرمایه های ملی مردم افغانستان بودند، به یغما رفت.



نمایی از شهر تاریخی آی خانم در هنگام حفريات دهه شصت و هفتاد

در پایان باید قدرمندی و تبریکات قلبی خویش را منحيث یکی از هموطنان مهاجر، به دانشمند خبره و محقق ورزیده افغان محترم حامد نوید تقدیم میدارم که انگیزه وطن پرستی و حمایت اخلاص مندانه از داشته های ارزشمند تاریخ کشورشان، با احساس عمیق مسئولیتی که در قبال نسل های افغانستان عزیز داشته اند، ایشان را وادار به چنین تحقیقات وسیع و صرف سال های متمادی کار و تلاش گسترده نموده است، تا موفق گردند، چنین اثر ارزشمندی را تقدیم فرزندان خاک پاک سرزمین خویش نمایند. البته مطالعه این کتاب چون وثیقه گران بهایی که هر پیچ و خم آن میتواند صفحات بیشتری را برای آموزش و تحقیق در زمینه تاریخ عهد عتیق افغانستان فراهم نماید، به همه وطن پرستان و افغانستان دوستان با خلوص نیت توصیه میگردد.

**نوت:** برای دریافت کتاب هنر افغانستان در عرصه تاریخ به دری و انگلیسی، لطفاً به منابع آتی مراجعه بفرمایید:

[Amazon.com/art through the ages in Afghanistan/Persian edition](https://www.amazon.com/art-through-the-ages-in-Afghanistan/Persian-edition)

[Authorhouse.com/art through the ages in Afghanistan - \(English\)](https://www.Authorhouse.com/art-through-the-ages-in-Afghanistan-(English))